



Principles and Extra-Constitutional Cases in the Constitution of the Islamic Republic of Iran: From Structure to Norm

Iman Mokhtari ^{1*}
Mohammad Rasool Ahangaran ²

Received on: 24/08/2022
Accepted on: 02/01/2023

Abstract

The central issue of this article is the nature and rationale behind the formality of extra-constitutional principles and cases in the current constitution of the Islamic Republic of Iran. For this reason, we have discussed and debated using a descriptive and analytical method while adopting a critical approach. According to our research findings, the aforementioned principles and cases are two separate and distinct topics. The identification and formalization of these in the constitution itself is a flaw. In other words, the restriction of such categories is not acceptable and is justified only for the purpose of maintaining stability and ensuring the rule of the constitution, but their expanded scope poses issues. Therefore, the criteria considered by the fundamental legislator of the Islamic Republic of Iran, after reviewing the entry of items with a structural and normative description under Article 177, are criticized from the perspective of this article.

However, it must be acknowledged that the current constitution of the country has solid scholarly and popular foundations, and its orientation in this field seems logical. From our perspective, any form of support for the constitution as the paramount political legal document of the nation and any amendments to its content should be carried out while respecting the principles of republicanism and Islamism, ensuring their maintenance and safeguarding.

Keywords: Principles and Extra-Constitutional Cases, Constitution, Islamic Republic of Iran, Structure, Norms.

1*. Master's degree in Public Law, University of Tehran, Farabi Campus, Qom, Iran.
(Corresponding Author: i.mokhtari.law@gmail.com)

2. Professor of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, University of Tehran, Farabi Campus, Qom, Iran. (Email: ahangaran@ut.ac.ir).



اصول و موارد فرا دستوری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ (از ساختار تا هنجار)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲

ایمان مختاری^{*۱}

محمد رسول آهنگران^۲

چکیده

ماهیت و چرایی رسمیت اصول و موارد فرا دستوری در قانون اساسی فعلی جمهوری اسلامی ایران، مسئله محوری مقاله حاضر است. بدین جهت با بهره‌گیری و مبتنی بر روشی توصیفی تحلیلی و با اتخاذ رویکردی انتقادی به بحث و مذاقه پرداخته‌ایم. مطابق یافته‌های پژوهشی ما، اصول و موارد مزبور دو مبحث مجزا و متمایز بوده و شناسایی و رسمیت یافتن آن‌ها در قانون اساسی فی‌نفسه محل خدشه و ایراد است. به عبارت بهتر قید چنین مقولاتی مورد پذیرش نبوده و صرفاً از جهت حفظ ثبات و تضمین حاکمیت قانون اساسی توجیه‌پذیر لکن دامنه موسع آن‌ها دارای اشکال است. از این رو، ملاک مدنظر مَقْنَن اساسی ج.ا.ا بعد از بازنگری در اندراج موارد دارای وصف شکلی (ساختاری) و محتوایی (هنجاری) ذیل اصل ۱۷۷ از منظر این نوشتار مورد نقد است. باین حال باید اذعان نمود، قانون اساسی فعلی کشور دارای مبانی مکتبی و مردمی متقن بوده و جهت‌گیری آن در این زمینه منطقی به نظر می‌رسد. از دیدگاه ما هر نوع دستیازی به قانون اساسی به‌مثابه عالی‌ترین سند حقوقی سیاسی کشور و اعمال تجدیدنظر در متن آن الزاماً می‌بایست با عنایت به ارکان جمهوریت و اسلامیت و حفظ و صیانت از آن‌ها صورت گیرد.

واژگان کلیدی: اصول و موارد فرا دستوری، قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، ساختار، هنجار.

*۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران. (صفحه ۱۸۱-۱۹۸)

(نویسنده مسئول: i.mokhtari.law@gmail.com)

۲. استاد تمام گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران. (ahangaran@ut.ac.ir)

مقدمه

بازنگری در قانون اساسی نیازمند این اصل است که بستر لازم و ضروری در جهت بازنگری به نحو کارآمد و مقتضی و در راستای تقویت مبانی مربوط به حقوق و آزادی‌های عمومی، حاکمیت مردم، نظارت‌پذیری و پاسخگویی حاکمان، در قانون اساسی فراهم باشد (Kokabisaghi, 2018 vol:1: 374).

ملزم دانستن یک قانون برای هر نسل و عدم انعطاف‌پذیری در مقابل اقتضائات اجتماعی موجب عدم کارایی در امور نظام حکومتی می‌گردد. اصول و موارد فرا دستوری به بنیان‌های نظری و توجیه‌پذیر هر نظام حقوقی سیاسی مربوط می‌شوند که اجازه بازنگری در آن‌ها نوعاً می‌تواند منجر به انحلال قانون اساسی و فروپاشی نظام سیاسی مستقر شود (colon rios, ۲۰۱۰: ۲۳۳).

مبانی ابراز شده دلالت بر جایگاه قانون اساسی به‌عنوان قاعده برتر در سلسله‌مراتب قواعد حقوقی داشته و سازوکار تجدیدنظر در قانون اساسی را ضروری می‌نماید.

الف- مرور پیشینه پژوهش

در مورد پیشینه بحث پیشرو می‌توان خاطر نشان ساخت که پژوهش‌هایی به نحو تقریباً جامع و البته همراه با رویکرد علمی، انتقادی و منصفانه در این حوزه و به طور مشخص در مورد موضوع محور بحث ما قلم زده شده است. از جمله تحقیقات مزبور می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

- «امکان‌سنجی اصلاح بنیادین ساختاری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، سلیمان زاده، ۱۳۹۹.

وی بحث امکان تغییر در بنیان‌ها و ساختارهای قانون اساسی فعلی ج.ا.ا را خارج از چارچوب‌های رسمی آن مطرح ساخته است.

- «بازنگری بنیادین در قانون اساسی با بررسی موردی حقوق اساسی ایران و آمریکا» حسینی، ۱۳۹۷.

از نظر وی به‌طورقطع ملاک موردنظر مقنن اساسی در احصای اصول و موارد فرا دستوری دارای اشکال است. وی در مقاله‌ای نیز با عنوان «مبانی نظری امکان بازنگری بنیادین قانون اساسی» به لزوم توجه قانون اساسی به بحث حق تعیین سرنوشت اجتماعی هر نسل، هماهنگی این قانون با مقوله مقتضیات روز و زمان، اقتضائات مردم‌سالاری دینی و کارآمدی اشاره داشته است.

- «مبنا، ماهیت و تضمین محدودیت‌های بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، منصوریان و علم الهدی، ۱۳۹۷.
- ایشان مبانی، ماهیت و چگونگی تضمین محدودیت‌های موضوعی بازنگری در قانون اساسی را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند.
- «حق تعیین سرنوشت در حقوق بشر بین‌الملل و اصول فرا دستوری، بررسی انتقادی اصل ۱۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، طالب نجف‌آبادی، محبی، ۱۳۹۹.
- ایشان اذعان داشته تغییرناپذیر دانستن برخی موارد در ذیل اصل (۱۷۷) ق.ا. صرفاً تأکید بر بیان تعدادی از ارزش‌هاست. لذا بازنگری می‌تواند شامل خود اصل (۱۷۷) ق.ا. گردد و به تبع آن موارد تغییرناپذیر نیز دستخوش تغییر می‌شوند.
- وجه تمایز موضوعی نوشتار حاضر نسبت به پژوهش‌های مزبور بررسی اصول فرا دستوری و موارد مرتبط با آن در قانون اساسی ج.ا.ا. در دو بعد هنجاری و ساختاری است.

ب- مبانی نظری

در این قسمت ابتدا با رویکردی توصیفی کلیاتی از اصول و موارد مزبور با عنوان «مفاهیم» و «نظرات و دیدگاه‌های دیگر» بیان نموده و سپس تحت عنوان «تحلیل یافته‌ها» به بحث پرداخته‌ایم. در نهایت نیز برآیند و نتیجه‌گیری خود از مباحث مطروحه را ارائه نموده‌ایم. تأملی بر آنچه گذشت پرسش‌هایی بدین نحو متبادر می‌سازد که آیا رسمیت اصول و موارد فرا دستوری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، توجیه‌پذیر است؟ گستره و ترکیب آن‌ها در قانون اساسی کشور منطقی است؟ و اینکه اصول و موارد مزبور با یکدیگر تفاوت دارند؟

مفروض ما آن است که رسمیت اصول و موارد مزبور فی‌نفسه در قانون اساسی مورد پذیرش نبوده و صرفاً از جهت حفظ ثبات قانون مزبور توجیه‌پذیر است. از سویی دو مقوله مجزا محسوب شده و نحوه ترکیب و دامنه موسع آن‌ها مورد نقد قرار دارد. دلایل و مستندات برای توجیه و اثبات ملاک ذهنی خود در طی مباحث ارائه نموده‌ایم. توجه به بحث ساختار و هنجار در سراسر مباحث جایگاه اساسی دارد. تقسیم‌بندی مباحث این نوشتار به دو حوزه شکلی و ماهوی نیز مبتنی بر تسامح و از باب غالب است. محور اصلی تجزیه و تحلیل‌های ما، اصول و موارد فرا دستوری با وصف

موضوعی^۱ و درون‌متنی (در متن قانون اساسی) بوده و درعین حال مباحث فرعی و تکمیلی نیز پیرامون مقتضیات زمانی^۲، تجدید نسل^۳ و همچنین حق تعیین سرنوشت اجتماعی ارائه شده است. در مورد مسائلی نظیر اصول فرا قانون اساسی^۴ یا محدودیت‌های برون‌متنی بازننگری و همچنین برخی مقولات دیگر نیز مطالبی مطرح کردیم که البته ارتباط مستقیم و ضروری به موضوع نداشته است. ضمن اینکه اصطلاحاتی مانند تجدیدنظر ناپذیر، فرا دستوری، غیرقابل بازننگری و غیرقابل تغییر از نظر ما تفاوت ماهوی ندارند.

۱- مفاهیم اصلی

اصول حاکم بر قانون اساسی از خارج از آن (برون‌متنی)^۵ و همچنین اصولی که به موجب خود

۱. در برابر چنین محدودیتی می‌توان محدودیت زمانی را در نظر گرفت؛ یعنی قانون اساسی، پیش از گذشت مهلت معین و اجرایی شدن آن، تجدیدنظر نسبت به خود را منع می‌سازد (burdeu, 1988: 80). محدودیت بازننگری مبتنی بر اوضاع و احوال اجتماعی را نیز می‌توان در این حوزه مطرح ساخت (Di Ruffia and Rozmaryn, 1966: 55).

۲. برخی در توجیه ضرورت بازننگری در قانون اساسی، التفات مقنن را به عنصر مقتضیات زمان لازم دانسته‌اند (Roznai, 2014: 48). وی در ادامه بحث حفظ ثبات قانون اساسی را مطرح نموده است (Roznai, 2014: 55). برخی صحبت از اصول جوهری به‌عنوان اساس قانون اساسی نموده و حاکم و برتر از سایر اصول تلقی کرده‌اند (bridel and Moor, 1968: 406). همواره محدودیت‌های صریح یا ضمنی بازننگری قانون اساسی ناشی از جوهر قانون اساسی وجود دارد (Schmitt, 1993: 357-358). درحالی‌که برخی دیگر معتقدند نباید روح و جوهر متن این قانون را با معنا و مفهوم آن که از مجموع مقررات قید شده در آن به دست می‌آید، یکسان پنداشت (luchaire, 1981: 314).

۳. برخی نویسندگان به این مقوله مهم اذعان داشته‌اند که ضرورت دارد تا قانون اساسی مشروعیت خود را با اراده سیاسی هر نسل منطبق سازد. لذا محتوای موارد قید شده در ذیل اصل (۱۷۷) را نیز قابل تغییر دانسته‌اند (مجبی و طالب نجف‌آبادی، ۱۳۹۹: ۲۱۹-۲۲۶).

۴. برخی چنین قواعدی را به دو دسته کامل و غیر کامل تقسیم نموده که کاربرد آن‌ها توجیه محدودیت‌های بازننگری قانون اساسی بوده و در آن پیش‌بینی نشده و مبنایی در حقوق وضعی ندارند. به عبارت بهتر اصول مزبور صرفاً ارزش اخلاقی دارند (vedel, 1993: 84-85) درحالی‌که برخی دیگر علاوه بر جنبه اخلاقی، اعتبار حقوقی نیز برای اصول فرا قانون اساسی قائل هستند. از دیدگاه وی وصف فرا قانون اساسی تفوق برخی هنجارها بر محتوای قانون اساسی است (arne, 1993: 474-475). عده‌ای نیز لزوم مکتوب بودن قانون اساسی، ملت به‌عنوان صاحب قدرت عالی سیاسی و قوه مؤسس اصلی، اصل تفکیک قوا و حقوق بنیادین را به‌مثابه قواعد فرا قانون اساسی لحاظ می‌کنند (rials, 1986: 65).

۵. موردی که برخی حقوقدانان آن را محدودیت‌های موضوعی که از یک تفسیر نظریه پردازانه منتج می‌شود، می‌نامند (Rigaux, 1985: 95).

قانون مزبور غیرقابل بازنگری (درون‌متنی) اعلام می‌شوند را در زمره اصول فرا قانون اساسی و فرا دستوری می‌توان دانست. اصول دسته اخیر دو طیف از محدودیت‌های درون‌متنی ماهوی و شکلی بر مقوله تجدیدنظر در قانون اساسی را در برمی‌گیرند. اصول فرا قانون اساسی یا محدودیت‌های برون‌متنی نیز شامل متونی مبتنی بر حقوق طبیعی، معاهدات^۱ و اعلامیه‌های حقوق بشر است. درحالی‌که محدودیت‌های درون‌متنی ناظر بر اصولی است که طبق قانون اساسی هر کشور مورد تصریح قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده است.

محتوای قوانین اساسی نوشته در بسیاری از کشورهای جهان مشتمل بر دو طیف اصول است. طیف اول مربوط به شیوه اداره کشور که اصطلاحاً اصول شکلی نام داشته و طیف دوم نیز مرتبط با حقوق و آزادی‌های ملت است که جزء مبانی نظام سیاسی هر کشور محسوب است. به عبارت دیگر در بسیاری از قوانین اساسی آنچه به‌عنوان مبانی قانون مزبور محسوب می‌شود، مسائل مرتبط با مقوله حقوق بنیادین از قبیل حق آزادی بیان و... است که تجدیدنظر در آن‌ها با محدودیت زمانی، یا مبتنی بر اوضاع سیاسی اجتماعی و یا موضوعی مواجه می‌شود.

محدودیت‌های برون‌متنی عبارت از آن قسم قواعد برتر است که خارج از متن قانون اساسی مدون بوده و درعین حال حاکم بر آن است و از آن‌ها تحت عنوان اصول فرا قانون اساسی ماهوی نام‌برده می‌شود. این قسم از محدودیت‌ها برگرفته از حقوق طبیعی، عرف‌ها و معاهدات حقوقی بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر است (تقی یاری، ۱۳۸۹: ۶۲-۶۴).

مسائل مزبور در سلسله‌مراتب حقوقی فراتر از قوانین اساسی کشورها واقع شده و باهدف حمایت از حقوق عامه در مقابل دولت از سوی کشورها به رسمیت شناخته می‌شود. حقوق به‌عنوان عنصر اساسی حفظ کرامت انسانی و ارج نهادن بر آزادی‌ها، حقانیت انسانی، برابری افراد و عدالت جزء تفکیک‌ناپذیر تفکر حقوقی امروز شده‌اند. حق‌ها در اصل زیربنای محتوایی قوانین اساسی جوامع امروز هستند (Jones, 2000: 35).

برخی صاحب‌نظران مقولاتی از قبیل «حاکمیت قانون» (گرچی، ۱۳۹۹: ۸۶-۸۷)، «اصل نمایندگی» (نادری جگرلویی، ۱۳۹۳: ۱۰۴)، «حاکمیت مردم» (گرچی، ۱۳۹۵: ۹۱) و «تفکیک قوا» (m.kang, 2009, vol:18: 281) را به‌عنوان محدودیت‌های برون‌متنی قوه مؤسس در امر بازنگری قانون اساسی قلمداد نموده‌اند.

۱. برخی صاحب‌نظران اعتقاد به برتری قواعد حقوق بین‌الملل بر قواعد قانون اساسی داشته و معاهده بین‌المللی را به‌عنوان یک نظم حقوقی عالی بر کشور معاهد در نظر می‌گیرند (Kelsen, 1928: 53).

برخی نویسندگان مسائلی مثل آزادی اطلاعات، آزادی بیان و عقیده به‌خصوص از طریق مطبوعات... و اصل تفکیک قوا را به‌عنوان حقوقی دائمی لحاظ نموده که از طریق انتخابات و مراجعه به آراء عمومی، قانون‌گذاری و همچنین مجلس مؤسسان قابل‌اصلاح و بازنگری نیستند (favre, 1966: 423-425). از طرفی محدودیت‌های درون‌متنی به اصول و موارد فرا دستوری اشاره دارد که در متن قوانین اساسی رسمیت پیدا می‌نماید. محدودیت‌های موضوعی در شمول محدودیت‌های درون‌متنی شکلی (جمهوری ریاستی یا پارلمانی و...) و ماهوی (حقوق و آزادی‌های عمومی، مسائل ایدئولوژیک و...) قرار می‌گیرند.

۲- نظرات و دیدگاه‌های دیگر

به بیان برخی، اصول فرا دستوری اصولی هستند که محدودیت ماهوی بر فرآیند تدوین یا اصلاح قانون اساسی را فراهم می‌کند (بروکه، ۱۳۸۷: ۲۵۶). مرجع بازنگری قانون اساسی نمی‌تواند بی‌آنکه مرتکب انحراف در اختیارات خود شود، پایه‌های بنیادین یک نظام سیاسی را که موجودیت آن نظام به آن‌ها بسته است را ویران نماید (burdeu, 1983: 238).

قوه مؤسس اصلی و اولیه یک قوه همواره نامحدود است. زمانی که این قوه، نخستین قانون اساسی کشور را به وجود می‌آورد، هیچ قاعده حقوقی که آن را محدود سازد وجود ندارد (gozler, 1995: 88) به‌طورکلی اصولی که موجودیت یک نظام سیاسی را پایه‌ریزی می‌کنند، غیرقابل‌خداشه معرفی می‌شوند. پس هدف ممنوعیت در بازنگری، حمایت از پایه‌های بنیادین نظام حکومتی است (gozler, 1995: 118).

محدودیت‌های بازنگری اختیار قوه مؤسس اولیه را محدود نمی‌نماید (lavroff, 1995: 101) قانون اساسی کلاً تغییرناپذیر مورد پذیرش نبوده؛ لذا محدودیت‌های مزبور باید جزئی باشد (prelot, 1990: 242). برخی معتقد به دائمی بودن قوه مؤسس اصلی بوده و ملت را به لحاظ حقوقی دارای حق بنیادی، آزاد و مستقل برای تغییر قانون اساسی خارج از تشریفات پیش‌بینی در آن می‌دانند (sieyes, 1970: 180-181). اصول فرا دستوری فاقد ارزش حقوقی بوده و محدودیت‌های ایجاد شده توسط آن‌ها دارای اعتبار حقوقی نیست و اراده مرجع بازنگری می‌تواند بر آن‌ها حاکم شود (Baythelemy and duez, 1993: 231) مرجع بازنگری می‌تواند قانون اساسی را که توسط قوه مؤسس اصلی ایجاد شده، بازنگری کند، پس هم‌تراز قوه مؤسس اصلی است (berlia, 1945: 356) از طرفی به بیان برخی محققین حتی با تصریح

قانون اساسی به اصول فرا دستوری، می‌توان ابتدا به بازنگری در اصول مربوط به بازنگری پرداخت و سپس زمینه تجدیدنظر پسینی در قانون اساسی را فراهم ساخت. بدین معنا که ابتدا به تجدیدنظر در اصل ۱۷۷ ق.ا. پرداخته شود و در مرحله بعد اصول لایتغیر مورد بازنگری قرار گیرد (فاورو و ودل، ۱۳۸۲: ۳۲۲-۳۲۳).

ارزش‌های بنیادین قانون اساسی در حکم اصول فرا قانون اساسی هستند. اقتضای کامل حق تعیین سرنوشت، تصمیم‌گیری در خصوص نوع حکومت و مبانی ارزشی آن است، باین‌حال عمده نظامات حکومتی نسبت به ارائه سازوکار رسمی برای تجدیدنظر کلی قانون اساسی و تغییر کامل نظام سیاسی، التفات لازم را نشان نمی‌دهند (علم‌الهدی و منصوریان، ۱۳۹۷: ۹-۸).

برخی حقوق‌دانان قانون اساسی بسیار انعطاف‌ناپذیر را مقدمه وقوع تحولات نامتعارف اجتماعی نظیر انقلاب دانسته و امر بازنگری در قانون اساسی را جهت تضمین مصلحت عمومی لازم دانسته‌اند (عباسی، ۱۳۸۹: ۸۶) برخی از حقوق‌دانان، مبانی ارزشی قانون اساسی را قابل بازنگری ندانسته، زیرا وفاداری نسبت به نظام سیاسی را مخدوش می‌سازد (هاشمی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۶۷).

برخی محققین وفاداری به حاکمیت قانون و اقتضای فرا دستوری بودن اصل مزبور را دلیل تغییرناپذیری آن دانسته‌اند که بازنگری در آن‌ها ممنوع است؛ اما درعین‌حال مقوله تحولات اجتماعی را ملاکی اساسی جهت تجدیدنظر در قانون اساسی برشمرده‌اند (سلیمان‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۲) وی همچنین معتقد به تغییر ضمنی و غیررسمی برخی مقررات قانون اساسی و به‌طور مشخص موارد معین‌شده در ذیل اصل ۱۷۷ شده است و عواملی مانند فرامین حکومتی، تغییر در هنجارهای قانون اساسی را مؤثر در آن می‌داند (سلیمان‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۱۵-۱۱۸).

وضع اصول فرا دستوری در قانون اساسی نشان از هدف مقنن اساسی در محدودیت انحلال قانون مزبور و اضمحلال نظام سیاسی حاکم است (حسینی، ۱۳۹۷: ۱۸) قوه بازنگری نمی‌تواند در چارچوبی غیر از آنکه قانون اساسی به رسمیت شناخته است وارد شود (پروین و اصلانی، ۱۳۹۵: ۶۹-۷۰) ماهیت اساسی قانون اساسی نوشته با توجه به اصول غیرقابل بازنگری مقرر شده در آن شناخته می‌شود. در صورت فقدان آن‌ها بنیان حکومت‌های مزبور دچار چالش اساسی خواهد شد (مختاری، ۱۳۹۴: ۳۰) از محدودیت‌های بنیادین بازنگری قانون اساسی می‌توان با عنوان مبانی نظام یاد نمود (طحان نظیف، ۱۳۹۴: ۲۲۶-۲۲۷).

قانون اساسی برای برقراری نظام سیاسی به وجود می‌آید. اصول مربوط به ساختار دولت و حقوق

و آزادی‌های مردم که اساس قوانین اساسی هستند غیرقابل تغییر هستند. هیچ نظام سیاسی عمر خود را با رفراندوم از پیش تعیین نمی‌کند (نادری جگر لویی، ۱۳۹۳: ۶۱) وی در ادامه با استناد به اصول مربوط به مشارکت سیاسی مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان اصول ثابت، هر نسل جامعه را صاحب حق اقدام جهت تغییر کلی آن قانون در خارج از چارچوب رسمی می‌داند (نادری جگر لویی، ۱۳۹۳: ۸۶).

نحوه بیان نویسنده مزبور مبهم است؛ زیرا از یک طرف جانب مشارکت سیاسی و حقوق و آزادی‌های مردم را به عنوان اصول غیرقابل تغییر می‌گیرد و اینکه تغییر بنیادی قانون اساسی حتی در خارج از چارچوب رسمی را حق هر نسل جامعه می‌داند و از طرف دیگر به این مسئله اذعان دارد که نظام‌های سیاسی در دنیا براندازی و اضمحلال خود را با رفراندوم از پیش تعیین نمی‌کنند.

پ- تحلیل یافته‌ها

در این قسمت تحلیل پیرامون اصول و موارد فرا دستوری موضوعی و درون متنی در قانون اساسی بعد از بازنگری جمهوری اسلامی ایران (ذیل اصل ۱۷۷) است. در ادامه ابتدا نکاتی در رابطه با قسمت آخر اصل لازم به تذکر است که قصد ما بررسی مجزای هر یک از موارد مورد اشاره در ذیل اصل مزبور نیست، بلکه برخی آرا و تفاسیر مرتبط، مذاکرات مجلس بررسی نهایی و شورای بازنگری قانون اساسی را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

۱- نکات پیرامون ذیل اصل ۱۷۷

بر اساس قسمت ذیل اصل مزبور: «محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ایتنای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است».

افزوده شدن قید «مربوط» به «محتوا» این نکات را می‌رساند که آنچه مورد نظر مقنن اساسی بوده، محتوای اصول مربوط و صیانت از آنها است. درحالی که شکل اعمال آنها بنا به مقتضیات اجتماعی قابل تغییر است. به عبارت دیگر شاکله اصول فرا دستوری قانون اساسی را تا حدی می‌توان تغییر داد که

محتوا و روح کلی حاکم بر قانون اساسی دستخوش اصلاح یا بازنگری کلی نشود. به نظر ما نحوه تنظیم نص و منطوق ذیل اصل مزبور از این جهت که در مقام بیان موارد متعدد بازنگری ناپذیر برآمده مورد انتقاد است.

این نکته نیز قابل توجه است که برخی مقولات مانند استقلال و مصونیت قضات، حقوق و آزادی‌های عمومی، تساوی مقام رهبری^۱ مانند آحاد ملت و محدودیت دوره تصدی وی نیز شایسته طرح مطلب در زمره موارد تجدیدنظر ناپذیر می‌بود. اینکه مقولات اخیر مورد توجه از سوی مقنن اساسی قرار نگرفته‌اند، محل تأمل جدی است.

۲- آرا و تفاسیر مرتبط

به‌زعم برخی اساتید در اصل مزبور موارد غیرقابل بازنگری تا حدی گسترده‌اند، درحالی که اقتضای نظام دموکراتیک حداقلی بودن موارد غیرقابل بازنگری است. تغییر ناپذیری موارد مندرج در ذیل اصل مزبور به این معناست که اصلاحات قانون اساسی نباید به نحوی باشد که ثبات محتوایی این عناوین را خدشه‌دار سازد (عمید زنجانی، ۱۳۸۷: ۸۲۱) بیان ایشان که از صاحب‌نظران مطرح هستند، تناقض دارد. وی منتقد گستردگی طیف موارد تجدید ناپذیر در ذیل اصل مزبور شده و آن را در تعارض با مقتضای نظام سیاسی دموکراتیک می‌داند. از طرفی بازنگری ناپذیری موارد مزبور را ناظر به بعد ماهوی می‌داند.

این در حالی است که اقتضای دموکراسی^۲ بازنگری در موارد محتوایی غیرقابل تغییر است. گسترده بودن موارد مندرج در ذیل اصل مزبور نیز قطعاً مورد نقد است. مجموع برخی اصول (۶، ۵۶، ۵۸، ۶۲، ۱۰۰، ۱۱۴) قانون اساسی مبین جمهوریت نظام و تضمین‌کننده مشروعیت مردمی آن است. نویسنده مزبور همچنین اسلامیت را جنبه غیرماهیتی و شکلی نظام می‌داند (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۸۱۷-۸۱۹).

۱. بحث برابری و تساوی ایشان در برابر قانون مانند سایر افراد ملت مقوله‌ای اساسی در جهت تضمین مردم‌سالاری و حقوق مردم و حراست از قانون اساسی و تحکیم ارکان نظام اسلامی محسوب می‌شود. برخی نویسندگان ضمن طرح مباحثی پیرامون برابری در مقابل قانون، تساوی رهبری در برابر قانون را به‌مثابه مقید نمودن وی در برابر قانون مطرح ساخته‌اند (صدوقی، ۱۳۹۷: ۲۱-۵۱).

۲. توسعه این فکر بدین صورت انجام می‌یابد که جامعه سیاسی با یک قرارداد مشروط قدم به عرصه حیات می‌نهد (Choueiri, 2016: 317).

چنین سخنی با توجه به ساختار ماهیتی قانون اساسی مورد نقد است. چطور می‌شود اسلامی بودن را جنبه شکلی قانون اساسی و نظام برشمرد در صورتی که یکی از جنبه‌های ابتدای قانون مزبور بر موازین اسلامی قرار دارد.

برخی محققین نیز معتقدند علی‌رغم تصریح قانون‌گذار اساسی به عدم امکان تجدیدنظر اسلامیت نظام، چنین موردی می‌تواند در شمول محدودیت‌های برون‌متنی (ضمنی) بازنگری قانون اساسی نیز قرار گیرد (حسینی، ۱۳۹۷: ۶۵-۶۶) وی در اظهار نظری قابل توجه، نسبت به شناسایی و رسمیت قانونی محدودیت‌های بنیادین بازنگری قانون اساسی انتقاد وارد نموده و معتقدند شیوه نگارش و تدوین قانون مزبور باید به نحوی باشد که حق امضا و تعیین سرنوشت از آیندگان حتی در موارد معدود و استثنائی سلب نشود (حسینی، ۱۳۹۷: ۷۱؛ غمامی و حسینی، ۱۳۹۹: ۱۵۵) در سویی مسائلی نیز در رابطه با مقوله جمهوریت قابل عنایت، تجزیه و تحلیل است.

در زبان فارسی، مقصود از واژه جمهوری نوعی نظام حقوقی سیاسی است که به جای اقتدار پادشاه، اداره امور کشور به مردم به طور مستقیم (رحیمی، ۱۳۵۸: ۲۷) از نظر منتسکیو سه قسم حکومت؛ جمهوری، پادشاهی مشروطه و استبدادی را می‌توان برشمرد (منتسکیو، ۱۳۷۰، ج ۲: ۳۹). نباید محتوای جمهوریت در جمهوری اسلامی با دموکراسی به معنای غربی خلط شود؛ زیرا که مطابق بیانات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی مدل‌های ارزشی غربی در اداره کشور مورد پذیرش ما نیست (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۲۶۵).

عده‌ای از حقوق‌دانان نیز بر چنین اعتقادی هستند که جمهوری ناظر به شکل بوده و قید اسلامی، محتوا را در برمی‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۳؛ هاشمی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۸۵) به زعم برخی حقوق‌دانان در عمل غیبت مردم از صحنه سیاسی می‌تواند زمینه‌ساز فروپاشی این نظام را فراهم آورد (هاشمی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۰۳-۱۰۴) ایشان پیش‌بینی اصول فرا دستوری را مختص قانون اساسی ایران ندانسته و در عین حال ملاک موردنظر قانون‌گذار اساسی را موردانتقاد دانسته و معتقدند مقوله «حقوق ملت» باید مورد احصا در زمره موارد مذکور ذیل اصل مزبور قرار می‌گرفت (هاشمی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۵۶-۵۹).

نکته مهم دیگر در مورد جایگاه معاهدات بین‌المللی در قانون اساسی ج.ا.ا است. این امر مورد اشاره برخی محققین قرار گرفته است. وی افزوده است که طبق اصل هفتاد و هفتم، محدودیت تجدیدنظر در قانون اساسی شامل معاهدات بین‌المللی نیست؛ بلکه بر اساس محتوای مربوط به اسلامی بودن نظام، قوه مؤسس ثانویه با محدودیت‌های ماهوی مبتنی بر شرع مواجه است (تقی یاری، ۱۳۸۹: ۷۳).

جمهوری مندرج در اصل ۱۷۷ قید دموکراتیک ندارد. این نکته قابل تأمل است که در هیچ اصلی از اصول قانون اساسی واژه دموکراسی یا مردم‌سالاری قید نشده است. هرچند که امام خمینی در طول مبارزات تا وفات خود، هفتاد بار واژه دموکراسی را بر زبان آورده، منظور ایشان مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش و رأی حداکثری بوده است. ایشان این واژه را در برابر استبداد و دیکتاتوری به کار برده است (رحمانیان، ۱۳۹۶: ۱۶۵).

مشارکت جمهور مردم جزء حقوق مسلم آن‌ها بوده و شالوده اصلی جمهوریت را تشکیل می‌دهد. اداره امور کشور طبق قانون اساسی ملازمه اساسی با مشارکت عمومی داشته و مبتنی بر آرای ملت است. اگر هدف از بازنگری نیل به نوع خاصی از نظام سیاسی باشد که در آن چنین مقوله‌ای خدشه ببیند، قطعاً مورد پذیرش نبوده و مطابق با ملاک قانون اساسی نمی‌باشد.

جمهوریت طبق قانون اساسی موضوعیت داشته، از ارکان اساسی نظام جمهوری اسلامی بوده و روشی به‌منظور اداره امور کشور به اتکای آرای عمومی است. باید اذعان نمود که بنیان‌های اساسی جمهوریت در قانون اساسی فعلی ایران بر عدم بهره‌مندی زمامداران از امتیازات شخصی نسبت به دیگران، مسئولیت سیاسی زمامداران و محدود بودن دوره زمامداری بخصوص در مورد مقامات عالیه سیاسی استوار است. از این لحاظ که اداره امور کشور باید منطبق با آرای عمومی بوده و مشارکت مردم از طریق انتخابات مختلف جهت برگزیدن متصدیان امور اعم از اجرایی (ریاست جمهوری) و... همچنین برگزاری همه‌پرسی در ابعاد مختلف سیاسی و... لحاظ شود، ناظر به جنبه ابزاری جمهوریت در جهت تحقق نظام حکومتی اسلامی است.

درحالی‌که در نظامات سیاسی غیردینی، جمهوریت دارای دو جنبه ارزشی و همچنین روشی در جهت تحقق اهداف حکومت است. از طرفی مدل نظام جمهوری در مقابل نظام سلطنتی و دیکتاتوری قرار داشته و گذار به حکومتی با شاکله و ماهیت مزبور اولاً مورد پذیرش نبوده و ثانیاً در چارچوب قانون اساسی فعلی امکان‌پذیر نیست.

۳- بحث‌های چالشی در مذاکرات مجلس بررسی نهایی و شورای بازنگری قانون اساسی

بررسی مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در خصوص اصل مربوط به سازوکار اصلاح قانون اساسی نیز مبین آن است که برخی نمایندگان با استناد به حق تعیین سرنوشت، بر عدم لزوم اختصاص چنین سازوکاری نظر داشته و اراده مردم را ملاک تلقی کرده‌اند (صورت مشروح

مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۷۳۵) مقوله اسلامیت نظام در نگاه بنیان‌گذار آن نیز مهم بوده و در پیام خود به خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی، ایشان را نسبت به وضع حتی یک ماده بر خلاف شریعت اسلام تحذیر نموده و حدود و کالت آن‌ها را محدود به قلمرو جمهوری اسلامی دانسته‌اند (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۲۵).

نکته قابل توجه در شورای بازنگری قانون اساسی، پیشنهادی بدین نحو بوده که به جای احصای چند عنوان، مصداق و اصل مرتبط با بحث اسلامی بودن نظام عبارت «اسلامی بودن» در ذیل اصل (۱۷۷) درج شود تا گستره شمول آن به اصول دیگر مرتبط در این حوزه تعمیم پیدا کند. در همین راستا صراحتاً قید مقولات ولایت امر و امامت امت، ابتنای قوانین و مقررات بر موازین شرعی و اسلامی و... غیر ضروری دانسته شده است. در سوی دیگر برخی اصول و مسائل غیرقابل بازنگری را غیرمجاز دانسته و اینکه نوعاً نمی‌توان برای آیندگان تعیین تکلیف نمود (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۵۸۸، ۵۹۳-۵۹۵، ۷۸۲، ۷۸۶، ۸۱۰-۸۱۲، ۸۱۳).

در رابطه با عبارت «محتوای اصول مربوط به...» نشان از قصد مقنن اساسی جهت تأکید بر اهمیت مفاد اصول مزبور دارد. نکته بعدی در رابطه با حصری بودن موارد مزبور است که با شکل فعلی مورد تصویب قرار گرفته است (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۸۰۵، ۸۰۷، ۸۱۲-۸۱۴).

از طرفی لزوم تجدیدنظر ناپذیر اعلام نمودن حقوق و آزادی‌های ملت در فصل سوم قانون اساسی، مورد باور و پیشنهاد در مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی نیز بوده است (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۶۰۰) در شورای بازنگری قانون اساسی تأکید شده که شکل نظام الزاماً باید جمهوری باشد. چنین مدلی با معیارهای اسلامی سازگارتر بوده و اساساً شکلی غیر از جمهوری در نظام اسلامی امکان تحقق نداشته و قابل پذیرش نیست (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۸۰۸) در مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی نیز صحبت از امکان شناسایی قالبی کارآمدتر از جمهوری شده و اینکه در آینده چنین مدلی مورد پذیرش مردم قرار نگیرد و اساساً بر چه مبنایی شکل نظام سیاسی باید غیرقابل بازنگری باشد؟ (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۸۰۵).

باتوجه به آنچه گذشت ضمن اعتقاد به مطالب اخیر، باید اذعان نمود که رأی مردم قطعاً دارای

اعتبار در تصمیم‌گیری‌ها و به‌عنوان مبنای اداره کشور است. واضح است که تغییر بنیادی در اهداف یک نظام حقوقی سیاسی باید با التفات به آرای عمومی باشد.

نتیجه‌گیری

اصول و موارد فرا دستوری موضوعی در قانون اساسی فعلی ج.ا.ا پذیرفته شده است. از دیدگاه ما ملاک مدنظر مقتن اساسی در قید موارد مزبور مورد نقد و ایراد است. ایشان تصریح به عبارت «محتوای اصول مربوط به...» نموده؛ اما درعین حال مواردی را در ذیل اصل ۱۷۷ در زمره موارد بازنگری ناپذیر به رسمیت شناخته که نوعاً ناظر به یکی از دو بعد غالب شکلی (ساختاری) یا ماهیتی (هنجاری) هستند. در قانون اساسی ما تفوق معاهدات بین‌المللی مورد پذیرش قرار نگرفته است. از طرفی باید توجه داشت که بخش مرتبط با امر تجدیدنظر در قانون اساسی به نحوی تنظیم شده که مسیر رسمی لازم جهت اصطلاحاً براندازی نظام سیاسی و انحلال قانون اساسی قانونیت پیدا ننموده و به معیارهای حداقلی در جهت شناسایی موارد فرا دستوری محتوایی اکتفا نشده است که مورد نقد است. به عبارت بهتر رسمیت یافتن موارد فرا دستوری در قانون اساسی فی‌نفسه مورد چالش قرار دارد، لکن درعین حال به جهت صرفاً حفظ ثبات و حاکمیت قانون مزبور ضروری می‌نماید. بااین حال نیاستی دامنه آن‌ها موسع باشد و معیارهای ایدئولوژیک موردنظر واقع شود.

گستره و ترکیب موارد فرا دستوری در ذیل اصل ۱۷۷ نشان می‌دهد که مواردی مثل دین و مذهب رسمی و ابتدای قوانین بر شرع علی‌رغم اشاره در اصول مربوط در متن قانون اساسی، مجدداً در ذیل اصل مزبور آمده، درحالی‌که به نظر می‌رسد عنوان «اسلامیت نظام» دو مورد اخیر را شامل می‌شود. در مذاکرات مجلس بررسی نهایی و شورای بازنگری قانون اساسی نیز بر جامع بودن عنوان مزبور و عدم نیاز به اندراج موارد دیگر تأکید شده است. درحالی‌که برخی مقولات مهم دیگر مانند تساوی مقام رهبری مانند سایر افراد ملت و محدودیت دوره تصدی وی، حقوق و آزادی‌های عمومی در این زمینه مغفول مانده است. عدم قید مسائلی نیز نظیر استقلال و مصونیت قضات، در زمره موارد بازنگری ناپذیر در قانون اساسی فعلی مورد اشکال به نظر می‌رسد. جای تعجب است مبحثی که با اساس و بنیان دستگاه قضایی کشور ارتباط دارد مغفول مانده است.

همان‌طور که از نظر گذشت، نسلی نمی‌تواند نسل‌های بعد از خود را ملزم و تابع قوانین مصوب

زمان خود بخصوص قانون اساسی کند. چنین امری در مورد مقنن اساسی ج.ا.ا نیز صدق می‌کند. حق حاکمیت و تعیین سرنوشت هر نسل از اهمیت برخوردار بوده و ایجاد هر نوع محدودیت و مضیق نمودن آن به موجب قانون اساسی قطعاً مورد خدشه است. به همین جهت پیش‌بینی دو مؤلفه جمهوریت و اتکای به آرای عمومی به‌عنوان موارد اساسی و مبنایی در قانون اساسی و به طور مشخص در ذیل اصل مزبور نشان از التفات ویژه قانون‌گذار اساسی بعد از بازنگری بوده و ضرورت توجه به بحث تعیین سرنوشت اجتماعی را می‌رساند که به نحو مقتضی تأمین نموده است. به‌عنوان نکته پایانی و البته مهم، از نظر ما هر نوع بازنگری در قانون اساسی فعلی ج.ا.ا و دستخوش تغییر قرارداد آن می‌باید با لحاظ مبانی مکتبی، ارزشی و مردمی آن باشد؛ زیرا که قانون مزبور را به لحاظ مبانی خود متقن و توجیه‌پذیر می‌دانیم. بدون تردید آنچه مورد نظر مقنن اساسی بوده است حفظ ارکان قانون اساسی است که در دو رکن جمهوریت و اسلامیت متبلور و منعکس است.

منابع

الف - فارسی

- بروکه، سام (۱۳۸۷)، «*یجاد قانون اساسی و اصول تغییرناپذیر*»، ترجمه مجتبی همتی، نشریه حقوق اساسی، سال چهارم، ش ۹.
- پروین، خیرالله؛ اصلانی، فیروز (۱۳۹۵)، *اصول و مبانی حقوق اساسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تقی یاری، اعظم (۱۳۸۹)، «*تحلیل محدودیت‌های بازنگری قانون اساسی با تأکید بر نظام حقوقی ایران*»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- جاوید، محمدجواد (۱۳۸۸)، *مشروعیت قدرت و مقبولیت دولت در قرآن*، تهران: نشر میزان.
- حسینی، سید حسن (۱۳۹۷)، «*بازنگری بنیادین در قانون اساسی با بررسی موردی حقوق اساسی ایران و آمریکا*»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع).

- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، ج ۶، ۱۰، ۲۰، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- رحمانیان، عبدالمجید (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی مبانی اصول تغییرناپذیر قانون اساسی و حق حاکمیت ملی»، رساله دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- رحیمی، مصطفی (۱۳۵۸)، *اصول حکومت جمهوری*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سلیمان‌زاده، محمد حامد (۱۳۹۹)، «امکان‌سنجی اصلاح بنیادین ساختاری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- صدوقی، اکبر (۱۳۹۷)، «مفهوم تساوی رهبر با مردم در برابر قوانین از منظر قانون اساسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- صورت مشروح مذاکرات شورای بازننگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۱)، ج ۳، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴)، ج ۳، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- طالب نجف‌آبادی، اعظم؛ محبی، داود (۱۳۹۹)، «حق تعیین سرنوشت در حقوق بشر بین‌الملل و اصول فرا دستوری، بررسی انتقادی اصل ۱۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، سال هفتم، ش ۳.
- طحان‌نظیف، هادی (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه ساختار و ماهیت در جمهوری اسلامی ایران معطوف به نظام‌سازی اسلامی»، رساله دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- عباسی، بیژن (۱۳۸۹)، *مبانی حقوق اساسی*، تهران: انتشارات جنگل.
- علم‌الهدی، سید حجت‌الله؛ منصوریان، مصطفی (۱۳۹۷)، «مبنا، ماهیت و تضمین محدودیت‌های بازننگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، سال هفتم، ش ۱۹.

- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵)، *حقوق اساسی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۷)، *کلیات حقوق اساسی ایران*، تهران: نشر مجد.
- غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۹۰)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- غمامی، سید محمد مهدی؛ حسینی، سید حسن (۱۳۹۹)، «مبانی نظری امکان بازنگری بنیادین قانون اساسی»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، سال ششم، ش ۱.
- فاوورو، لویی؛ ودل، ژرژ (۱۳۸۲)، «اصول فرا قانون اساسی و حاکمیت ملی (مناظره لویی فاوورو و ژرژ ودل)»، ترجمه علی اکبر گرجی، *نشریه حقوق اساسی*، سال سوم، ش ۱.
- کاتوزیان، امیر ناصر (۱۳۸۰)، *فلسفه حقوق*، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گرجی ازدریانی (۱۳۹۵)، *علی اکبر، حقوقی سازی سیاست*، تهران: نشر خرسندی.
- گرجی ازدریانی، علی اکبر (۱۳۹۹)، *بازنگری قانون اساسی (بازاندیشی در هم‌نشینی قدرت و آزادی در جمهوری اسلامی)*، تهران: نشر نگاه معاصر.
- مختاری، ایمان (۱۳۹۴)، «اصول فرا دستوری و موارد و آثار آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران.
- منتسکیو، شارل لویی (۱۳۷۰)، *روح القوانين*، ترجمه: علی اکبر مهدی، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نادری جگرلوئی، معصومه (۱۳۹۳)، «موارد غیر قابل بازنگری قانون اساسی (مطالعه تطبیقی: ایران و آمریکا)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۴)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۱، تهران: نشر میزان.

ب- منابع انگلیسی

- Asim, M. (2023). "Iranian Constitution as a Source of Sustainable Peace in Multicultural Society; A Guideline for Neighboring States Suffering from Intrastate Wars". *Journal of Insights of Egypt and Iran and the Caucasus Studies*, Vol.12. No.15.
- Baythelemy, Joseph, Duez, Paul (1993); "*Traité de droit constitutionnel*", Paris, Daloz.
- Berlia, George (1945), "*De la competence des assemblées constituantes*", *Révue du droit public*.
- Biscaretti Di Ruffia, Paolo, Rozmaryn, Stefan(1966); "*La constitution comme loi fondamentale dans Les Etats de L'Europe occidentale et dans Les Etats Socialistes*", Paris, L.G.D.J. Torino, Libre ria Scientifica.
- Bridel, Marcel; Moor, Pierre; "observation sur la hiérarchie des règles constitutionnelles", *Revue du droit Suisse*, Vol. 87. No.21.
- Burdeu, George (1983), "*Traité de science politique*", *Tom IV*, Paris, L.G.D.J. 3e edition.
- Burdeu, George (1988); "*Droit constitutionnel*," 21e edition Par Francis Hamonet, Michel troper, Paris, L.G.D.J.
- Colon-Rios(2010), Joel,"The Legitimacy of the Juridical: Constituent Power, Democracy, and the Limits of Constitutional Reform", *Osgoode Hall Law Journal*, Vol. 48. No. 2.
- Favre, Antoine(1966); "*Droit constitutionnel Suisse*", Fribourg, Editions universitaires de Fribourg.
- Gözler, kémal (1995), "Le pouvoir de revision constitutionnele", Thèse pour Le doctorat en droit, présentée le 6 novembre, Université Montesquieu – Bordeaux IV, Faculté de droit, des science sociales et Politiques.
- Jone M. kang (2009), "*appeal to heaven:on the religious origins of the constitutional right of revolution*", Vol.18. No.18.

- Jones. Peter (2000). “*Rights*”, First published, London.
- Kélsen, Hans (1928); "La grantie Juridictionnelle de La constitution, La Justice constitutionnelle", *Révue du droitpublic*.
- Kokabisaghi, F. (2018), “Assessment of the effects of economic sanctions on Iranians’ right to health by using human rights impact assessment tool: a systematic review”, *International journal of health policy and management*, Vol.7. No.13.
- Lavroff, Dmitri Georges (1995), "*La droit constitutionnel de la sinquième République*", Paris, Dalloz.
- Luchaire, François(1981); "*De La method en droit constitutionnel*", *Revue du droit Public*.
- Prelot, marcel (1990), "*Institutions politiques et droit constitutionnele*", édition 11, Paris, Dalloz.
- Rials, stephane (1979); "*Reflexions sur la nation de coutume constitutionnelle*", *La Révue administrative*, Juillet.
- Rigaux, Marie-Fran çoise (1985); "*La théorie des Limites matérielles à L exercice de La fonction constituante*", Bruxelles, Larcier.
- Roznai, yani v (2014), "unconstitutional constitutional Amendments", A study of thenature and Limits of constitutional Amendment Powers, a thesis submitted to the Department of Law of the London school of Economics the degree of Doctor of philosophy.
- Schmitt, Carl (1993); “Théorie de la constitution”, tradition Par lilyane Deroche, Paris, Publication, F, Coll. "Lèviathan".
- Sieyés, Emmanuel (1970); "Qu'est-ce que le Tière Etat" introduction Par Roberto Zapperi, Genève, Librairie Droz.
- Vedel, George (1993); "*souveraineté et supra constitutionnalité*", *Révue de Pouvoirs*.